

محرک‌های اجتماعی پیشبرد فتنه در جنگ نرم از دیدگاه حضرت علی (علیه‌السلام)

احمد رضا شاه‌علی^۱

چکیده

جنگ نرم از جمله پدیده‌های نوین و روشی تازه برای مقابله با حکومت‌های مستقل و مخالف با نظم تحمیلی از سوی دول استکباری به‌شمار می‌آید که شناخت ابعاد و زمینه‌های شکل‌گیری آن به یافتن راه‌هایی برای مقابله با آن کمک شایانی می‌نماید. در این مقاله، ضمن بررسی معنای لغوی و ویژگی‌های فتنه در کلام امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، ارتباط و تأثیر و تأثر آن بر پدیده جنگ نرم را بررسی می‌شود. سپس با استناد به خطبه‌ها و نامه‌های حضرت علی (علیه‌السلام) تلاش می‌شود تا محرک‌های اجتماعی پیشبرد فتنه در جنگ نرم تبیین و تشریح شود. به همین منظور دسته‌بندی دوگانه‌ای برای متمایز کردن نقش مردم، حاکمان و خواص بی‌بصیرت در این زمینه در نظر گرفته شده و نقش هر یک از آنها در ارتباط با پیشبرد اجتماعی فتنه در جنگ نرم توضیح داده شده است. کلید واژه‌ها: امام علی (علیه‌السلام)، فتنه، جنگ نرم، ناکثین، قاسطین، مارقین

طرح مسئله

تحولات سیاسی اجتماعی سال‌های اخیر و به‌خصوص رویدادهای تلخ بعد از برگزاری دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری که رهبر معظم انقلاب از تعبیری همچون «فتنه» و «جنگ نرم» برای توصیف و تشریح آن استفاده کردند، توجه عموم به‌خصوص

صاحب‌نظران و تحلیل‌گران حوزه علوم انسانی را به پدیده جنگ نرم و بررسی ابعاد، زمینه‌های وقوع، روش‌های اجرا، پیامدها و همین‌طور شیوه‌های برخورد با آن جلب کرده است.

اگر چه مدت زمان زیادی از گسترش مباحث مربوط به جنگ نرم در سطح جامعه و در میان نخبگان نمی‌گذرد، اما این مسئله را نباید پدیده‌ای نوظهور دانست و چنانچه خواهد آمد، ایجاد فتنه در جامعه نتیجه جنگ نرم بوده و فتنه‌ها در بستر جنگ نرم به نتیجه می‌رسند. این فتنه‌ها که در قالب‌های مختلف اجتماعی و سیاسی به اجرا در می‌آیند از صدر اسلام تاکنون برای به زانو درآوردن زمامداران جوامع اسلامی طراحی و اجرا شده‌اند. همین مسئله رجوع به ادبیات قرآنی، میراث دینی و سیره ائمه معصوم (علیهم‌السلام) را برای بررسی دقیق‌تر این تهدید خطرناک، ضروری و رهگشا می‌نماید. در میان ائمه معصومین (علیهم‌السلام)، حضرت علی (علیه‌السلام) به‌طور ویژه در شرایط فتنه قرار داشته و از همین رو ایشان مشکلات و مصائب ناشی از فتنه را به‌طور مفصل تشریح کرده است و گنجینه‌ای ارزشمند از وصایا و فرامین را برای شیعیان به یادگار گذاشته‌اند. به‌طور مسلم بررسی علمی و تحلیلی فرمایشات ایشان به زمامداران نظام جمهوری اسلامی در ایران کمک خواهد کرد تا در برابر تهدیدات حاصل از فتنه و جنگ نرم واکنش مناسب را از خود نشان دهند.

با توجه به آنچه طرح شد می‌توان از جنبه‌های مختلف به بررسی تحلیلی دیدگاه‌ها و رهنمودهای حضرت علی (علیه‌السلام) در مورد جنگ نرم و فتنه پرداخت. یکی از مباحث مورد تأکید امیرالمومنین (علیه‌السلام) در این بخش، تبیین ریشه‌ها و عوامل وقوع فتنه در جامعه است. ایشان به‌طور خاصی ریشه‌های اجتماعی بروز فتنه را مورد توجه قرار داده‌اند که این تأکید با مطالعه خطبه‌ها و فرمایشات حضرت در نهج‌البلاغه کاملاً مشهود است. از همین رو سؤال اصلی این مقاله آن است که «زمینه‌های اجتماعی پیشبرد فتنه در جنگ نرم از دیدگاه حضرت علی (علیه‌السلام) چیست؟»

با عنایت به این سؤال، سؤالات فرعی مقاله عبارت‌اند از:

۱. تعریف فتنه و جنگ نرم چیست؟

۲. آیا این دو مفهوم مترادف بوده و معنای مشابهی دارند؟

۳. در عصر امامت حضرت علی (علیه‌السلام) چه شرایطی حاکم بوده که باعث شد ایشان در مورد آن تعبیر فتنه را به کار ببرند؟

روش انجام این تحقیق توصیفی و تحلیلی است و بدین منظور ابتدا دو مفهوم فتنه و جنگ نرم و ارتباط آنها به هم تعریف و تبیین شده و سپس فتنه‌های گوناگون ایام خلافت حضرت امیرالمومنین (علیه‌السلام) و ریشه‌های اجتماعی پیشبرد آنها در جامعه در قالب دو دسته‌بندی در ارتباط با مردم و خواص بی‌بصیرت بیان شده است. روش گردآوری این پژوهش نیز با بهره‌گیری از روش‌های اسنادی و کمک‌گرفتن از کتب و مقالات این حوزه و نیز بررسی اسناد، و کتب تاریخی معتبر انجام شده است.

الف. تعریف فتنه

با توجه به کاربرد گسترده لغت فتنه در آیات و روایات نقل شده از معصومین (علیهم‌السلام) برای درک بهتر مفهوم آن و همین‌طور جایگاه این لغت در مباحث سیاسی و اجتماعی مطرح شده از سوی حضرت امیرالمومنین علی (علیه‌السلام) باید تعریف جامع و دقیقی از آن به عمل آید.

- فتنه مصدر عربی از ماده فتن است و معنای لغوی آن در آتش انداختن و گداختن سیم و زر جهت آزمایش و جداساختن مواد خالص آن از ناخالصی‌هاست (الخورى الشرتونی، ۱۳۸۵: ۹۰۲)
- بررسی منابع مختلف اسلامی و به‌خصوص قرآن کریم نشان می‌دهد که این کلمه به معنای وسیله آزمایش، قتل، شدت بلا، گناه، عذاب، گمراهی، کفران و ناسپاسی، اختلاف و فریفتن و... به کار رفته است. (علی عبدالله، ۱۳۸۰: ۲۲۹ و معلوف، ۱۳۸۴: ۷۵۲)
- در تفسیر شریف "المیزان" فتنه این‌گونه تعریف شده است: «فتنه آن است که به وسیله آن چیزی امتحان شود، به خود امتحان و به لازم امتحان که شدت و عذاب است و به ضلال و شرک که سبب عذاب هستند، اطلاق می‌شود. در قرآن به همه این معانی به کار رفته است. (علامه طباطبایی، ۱۳۶۱: ۹۰) به‌طور کلی کلمه فتنه در

قرآن کریم با بیست گونه استعمال، شصت بار تکرار شده و کمتر از یک چهارم آن به طور مشخص معنای آزمایش دارد (مهدویان و نظنزی، ۱۳۸۶: ۲۵).

به عنوان نمونه در آیه ۲ سوره مبارکه عنکبوت چنین آمده است: «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (آیا مردم گمان کردند همین که بگویند ایمان آوردیم، به حال خود رها می شوند و آزمایش نخواهند شد.) در اینجا این لغت به معنای وسیله آزمایش و امتحان به کار رفته است.

در سوره مبارکه ذاریات، آیه ۱۳، کلمه فتنه به همان معنای داغ کردن، سوزاندن و بریان کردن به کار رفته است: «يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ» (روزی که گنهکاران روی آتش داغ می شوند).

از جمله دیگر نمونه های کاربرد این واژه در قرآن کریم می توان به معنای صدمه زدن و کشتن (آیه ۱۰۱ سوره نسا)^۱، گمراه کردن و فریفتن (آیه ۲۷ سوره اعراف)^۲، شکنجه کردن و بهرنج انداختن برای وادار کردن به ترک دین (آیه ۸۳ سوره یونس)^۳، منحرف کردن و بازداشتن از چیزی (آیه ۴۹ سوره مائده)^۴، شرک (آیه ۱۹۱ سوره بقره)^۵ و کفر (آیه ۴۹ سوره توبه)^۶ اشاره کرد.

۱. وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يُفْتِنَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا؛ و چون در زمین سفر کردید اگر بیم داشتید که آنان که کفر ورزیده اند به شما آزار برسانند گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید چرا که کافران پیوسته برای شما دشمنی آشکارند.
۲. يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ؛ ای فرزندان آدم زنهار تا شیطان شما را فریب ندهد چنانکه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند.
۳. فَمَا آمَنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّن قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ مِّن فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَنْ يَفْتِنَهُمْ؛ سرانجام کسی به موسی ایمان نیاورد مگر فرزندان او از قوم وی در حالی که بیم داشتند از آنکه مبادا فرعون و سران آنها ایشان را شکنجه دهند.
۴. وَأَنْ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ؛ و میان آنان به موجب آنچه خدا نازل کرده داوری کن و از هواهایشان پیروی مکن و از آنان برحذر باش مبادا تو را در بخشی از آنچه خدا بر تو نازل کرده به انحراف دراندازند.
۵. وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ؛ فتنه [شرک] از قتل بدتر است.
۶. وَمِنْهُمْ مَّن يَقُولُ إِذْ ذُنِبُوا وَلَا تَفْتِنِي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ؛ و از آنان کسی است که می گوید مرا [در ماندن] اجازه ده و به کفرم مینداز هشدار که آنان خود به کفر افتاده اند و بی تردید جهنم بر کافران احاطه دارد.

فتنه در کلام حضرت علی (علیه السلام)

اگر چه فتنه از نظر لغوی دارای معانی و تعابیر متعددی است، اما با بررسی نحوه کاربرد آن در احادیث و سخنان گهربار حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در می‌یابیم که این شیوه استفاده، با عنایت به شرایط اجتماعی و سیاسی دوران زندگی و ولایت ایشان، چارچوب معنایی دقیق‌تر و مشخص‌تری دارد.

امام علی (علیه السلام) در خطبه ۹۳ نهج البلاغه که پس از جنگ نهروان ایراد فرمودند، تعریف دقیقی از فتنه با توجه به وضعیت آن روز جامعه اسلامی ارائه می‌دهند که به شرح زیر است: «إِنَّ الْفِتْنََ إِذَا أَقْبَلَتْ شُبَّهَتْ، وَإِذَا أَدْبَرَتْ نَبَّهَتْ. يُنْكَرَنَّ مُقْبِلَاتٍ، وَ يُعْرَفَنَّ مُدْبِرَاتٍ. يَحْمُنَ حَوْمَ الرِّيَّاحِ، يُصَيِّنُ بَلَدًا وَ يُخْطِئُنَ بَلَدًا».

«همانا فتنه‌ها چون روی آورد، باطل را به صورت حق آراند و چون پشت کند، حقیقت چنانکه هست نماید. فتنه‌ها چون روی آرد، نشناسندش و چون بازگردد، دانندش. چون بادهای گرد گردانند به شهری برسند و شهری را واگذارند».

در این گفتار، حضرت علی (علیه السلام) ویژگی‌های فتنه را در بدو ورود به عرصه اجتماع و هنگام ترک آن بر شمرده‌اند. از دیدگاه امیرالمؤمنین (علیه السلام) فتنه در آغاز، ناشناخته و در پایان بیدارکننده و آگاه‌کننده است. بر اساس کلام امام علی (علیه السلام) فتنه در ابتدا بدان علت غیر قابل تشخیص است که ظاهری شبهه‌ناک و فریبنده دارد. ایشان در خطبه ۳۸ نهج البلاغه درباره معنای شبهه چنین فرموده‌اند: «وَ إِنَّمَا سُمِّيَتْ الشُّبُهَةُ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشَبُّهُ الْحَقَّ. فَأَمَّا أَوْلِيَاءُ اللَّهِ» «شبهه را شبهه نامیده‌اند، چون حق را ماند، لیکن دوستان خدا را - فریفتن نتواند - که یقین، چراغ - رهگذر - ایشان است».

ایشان در نامه ۶۵ نهج البلاغه به معاویه بن ابی سفیان، وی را به پرهیز از شبهه‌ها سفارش کرده و می‌فرمایند: «فَأَحْذَرِ الشُّبُهَةَ وَ اشْتِمَالَهَا عَلَى لُبْسَتِهَا، فَإِنَّ الْفِتْنَةَ طَالَمَا أَغْدَقَتْ جَلَابِيهَا وَ أَغْشَتِ الْإِبْصَارَ ظَلْمَتُهَا» «از شبهات پرهیز و از آمیختگی آن به حق و باطل - نیز - که روزگارانی است فتنه پرده بر خود افکنده و تیرگی‌های آن دیده‌ها را پوشانده».

حضرت علی (علیه السلام) در خطبه ۵۰ نهج البلاغه نیز آمیخته شدن حق و باطل را ویژگی اصلی فتنه توصیف کرده‌اند. بخشی از این خطبه خواندنی که موضوع اصلی آن

فتنه است بدین شرح است: «إِنَّمَا بَدَأَ وَفُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ، وَ أَحْكَامُ تُبْتَدَعُ، يُخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ، وَ يَتَوَلَّى عَلَيْهَا رِجَالٌ رِجَالاً عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ. فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مِزَاجِ الْحَقِّ لَمْ يَخْفَ عَلَى الْمُؤْتَادِينَ. وَلَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لُبْسِ الْبَاطِلِ انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَلْسُنُ الْمُعَانِدِينَ. وَلَكِنْ يُؤْخَذُ مِنْ هَذَا ضِغْثٌ، وَ مِنْ هَذَا ضِغْثٌ فَيَمُزَّجَانِ، فَهَذَا لِكَ يَسْتَوِلِي الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ، وَ يَنْجُو الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنَى».

«ابتدای ظهور فتنه‌ها هواهایی است که پیروی می‌شود، و احکامی که در چهره بدعت خودنمایی می‌کند، در این فتنه‌ها و احکام با کتاب خدا مخالفت می‌شود، و مردانی مردان دیگر را بر غیر دین خدا یاری و پیروی می‌کنند. اگر باطل از آمیزش با حق خالص می‌شد راه بر حق جویان پوشیده نمی‌ماند. و اگر حق در پوشش باطل پنهان نمی‌شد زبان دشمنان یاوه‌گو از آن قطع می‌شد. ولی پاره‌ای از حق و پاره‌ای از باطل فراهم شده و در هم آمیخته می‌شود، در این وقت شیطان بر دوستانش مسلط می‌شود، و آنان که لطف حق شامل‌شان شده نجات می‌یابند».

در بخش کلمات قصار نهج البلاغه نیز به‌عنوان اولین کلمه قصار از قول امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) حکمتی پندآموز در مورد فتنه نقل شده که به درک مفهوم سیاسی و اجتماعی آن کمک شایانی می‌کند. ایشان می‌فرمایند: «كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابْنِ اللَّبُونِ لَا ظَهْرٌ فَيُرْكَبُ، وَلَا ضَرْعٌ فَيُحْلَبُ» «هنگام فتنه چون شتر دو ساله باش، نه پشتی تا سوارش شوند و نه پستانی تا شیرش دوشند. چنان‌زی که در تو طمع نبندند».

بر اساس این روایت فردی که شرایط فتنه را درک کرده نباید اجازه سوءاستفاده از خود را بدهد. البته نباید تصور کرد این حدیث توجیهی برای فرار از وظیفه و عدم دفاع از حق است. میرزا حبیب‌الله خوبی از علمای بنام شیعه در این مورد توضیحات قابل تأملی دارند. ایشان بعد از نقل این کلام امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) چنین نتیجه‌گیری می‌کند: منظور از فتنه اضطرابی است که دامن‌گیر جماعتی یا امتی می‌شود. اکثراً جنبه سیاسی دارد یا وسیله کسب قدرت و باعث حیازت مقام امامت است. مقصود حضرت چنین نیست که عزلت و انزوا و تغافل را دستور داده باشد. بلکه منظور ایشان، حذرکردن و کمک‌نکردن به سران فتنه است و فرق نمی‌کند فتنه سیاسی باشد یا غیر

سیاسی. تخاصم بین دو گمراه باشد یا تخاصم بین حق و باطل مثل فتنه سقیفه و جمل و صفین... مقصود حضرت این است که به فتنه‌گران کمک نکنید و به حق تمسک بجویید و عزلت برای مسلمانان جایز نیست، بلکه واجب است قیام کنند (خوبی، ۱۳۶۴: ۷).

برخی لغت‌شناسان و علمای اسلامی دیگر هم با عنایت به آنچه ذکر شد و به‌منظور ارائه معنایی جامع از کاربردهای متفاوت واژه فتنه در زبان عربی گفته‌اند ریشه همه این معانی عبارت است از "اختلال همراه با اضطراب". هر چیزی که موجب اختلال و اضطراب شود فتنه نامیده می‌شود. با توجه به اینکه امور فراوانی در جامعه مانند اولاد، اموال، اختلاف نظر، عذاب، کفر، جنون، آزمایش، ابهام و دشواری تشخیص حق و در نهایت آشوب‌های سیاسی و اجتماعی باعث اختلال همراه با اضطراب می‌شوند، فتنه هم مصادیق زیادی دارد. لغت‌شناسان به این نکته مهم هم اشاره کردند که نتیجه فتنه اختلال و اضطراب است، بنابراین نسبت به نظم ظاهری و وضع سابق امری ناپسند و شر محسوب می‌شود. اما خیر یا شر بودن نتیجه حاصل از این اضطراب و اختلال به نوع مواجهه افراد یا جوامع با آن بستگی دارد (مصطفوی، ۱۳۶۲: ۷-۲۲).

آیت... مصباح یزدی نیز به نکته مهمی درباره معنای لغوی فتنه اشاره کرده‌اند. ایشان معتقدند معنای لغوی فتنه دارای لوازمی است که آرام‌آرام به یکی از معنای این واژه مبدل شده است. به گفته ایشان لازمه در آتش قرارگرفتن انسان این است که فرد به حالت اضطراب می‌افتد. سپس این اضطراب از اضطراب بدنی و جسمی توسعه می‌یابد و اضطراب‌های روحی و باطنی را نیز در بر می‌گیرد. به همین دلیل به اضطراب‌ها و تزلزل‌های درونی، باطنی و روحی که در حوزه باورهای دینی و نظام ارزشی فرد رخ می‌دهد هم فتنه می‌گویند (مصباح یزدی، ۱۳۷۹: ۳-۱۰۱).

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت فتنه در دین یعنی آنکه افرادی تلاش می‌کنند با القای شبهه‌های فکری و اعتقادی، باورهای دینی مردم را متزلزل و مضطرب کنند. چنین افرادی با پوشش ایمان و در قالب تفسیر دین و فهم متون دینی به جنگ اصل دین می‌روند و به همین علت بسیاری از مردم و حتی نخبگان قادر به تشخیص ماهیت واقعی این افراد نیستند.

البته همان‌طور که در قرآن کریم تصریح شده، فتنه شامل آزمایش‌های دشوار، مبهم و پیچیده‌ای است که در آن تشخیص حقیقت کار بسیار دشواری است. آیات ۲ و ۳ سوره عنکبوت به روشنی به این مفهوم دلالت می‌کند: «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ. وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ». «آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟ و به یقین کسانی را که پیش از اینان بودند آزمودیم تا خدا آنان را که راست گفته‌اند معلوم دارد و دروغگویان را [نیز] معلوم دارد».

بنابراین صرف ادعای ایمان نشانه سعادت‌مندی فرد و رضایت خدا از او نیست و فرد مدعی باید بتواند در شرایط سخت فتنه ادعایش را اثبات کند. بدیهی است افرادی در این شرایط دشوار سربلند خواهند بود که با بهره‌مندی از بصیرت کافی و درک صحیح شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر روزگار خود و درک معادلات و مناسبات سیاسی و اجتماعی بتوانند از شرایط دشوار فتنه عبور کنند.

با عنایت به آنچه بیان شده و با توجه به آنکه تمرکز اصلی این مقاله متوجه بررسی زمینه‌های اجتماعی و سیاسی شکل‌گیری فتنه است، می‌توان نتیجه گرفت که منظور از فتنه در ادبیات سیاسی اسلام شرایط پیچیده و دشواری است که در آن حق و باطل در هم آمیخته شده و به دشواری قابل تشخیص هستند و گروه‌های متخاصم همگی دارای سوابق درخشانی بوده و ظاهراً حامی اسلام و قرآن هستند. در این فتنه‌ها هم مانند فتنه‌های دینی عده‌ای در لباس خودی و با ظاهری دلسوزانه و خیرخواهانه تلاش می‌کنند با القای شبهه‌هایی درباره چگونگی رفتار حاکمان جامعه و با پوشش دفاع از ارزش‌های اسلامی افکار عمومی را منحرف کرده و جامعه را دچار اضطراب و سردرگمی کنند. بهره‌گیری از افراد موجه و خوش سابقه و همین‌طور لفاظی‌های مبهم و چند پهلو از دیگر روش‌های تحقق فتنه سیاسی است (شریفی، ۱۳۸۸: ۴۳).

ب. تعاریف و اهداف جنگ نرم

مفهوم جنگ نرم و قدرت نرم از اواخر دهه ۸۰ میلادی به تدریج توسط اساتید برجسته رشته روابط بین‌الملل مطرح شد. اولین بار پرفسور حمید مولانا در سال ۱۹۸۶ در کتاب

اطلاعات و ارتباطات جهانی، مرزهای نو در روابط بین‌الملل به مفهوم قدرت نرم اشاره کرد. وی قدرت را به دو بخش تقسیم کرد. قدرت ملموس یا نرم که منابع آن دین، ارزش‌ها، باورها، ایدئولوژی و دانش هستند و قدرت سخت یا ملموس که ریشه در مواردی چون منابع طبیعی، جمعیت، ثروت، ابزار نظامی، جنگی و ... دارد. به اعتقاد پروفیسور مولانا، قدرت نرم زیربنای قدرت سخت بوده و ماهیت آن را مشخص می‌کند. مفهوم قدرت از دیدگاه مولانا بر حسب ارزش‌های خاص و مبادلات میان بخش‌های مختلف جامعه تعریف می‌شود و دو بعد دارد: یکی دستیابی به منابع لازم جهت عمل و دیگری توان و میل به انجام عمل. اصل "اعتقاد" و نظام‌های ارزشی ماهیت اقدام و عوامل آن را در هر نظام مشخص می‌کند. براساس این دیدگاه قدرت نرم اساس و زیر بنا بوده و قدرت سخت به عنوان ابزار در خدمت اجرای قدرت نرم است (مولانا، ۱۳۸۴: ۷ - ۳۴).

۱۷۱

مطالعات
قدرت نرم

سال اول، پین شماره سوم، پاییز ۱۳۹۰
محرک‌های اجتماعی پینبرد فتنه در جنگ نرم ..

چهار سال بعد در سال ۱۹۹۰ جوزف نای استاد شناخته شده روابط بین‌الملل در شماره ۸۰ مجله مشهور *Foreign Policy* به تبیین مفهوم قدرت نرم پرداخت که برداشت‌های وی شباهت زیادی به دیدگاه‌های پروفیسور مولانا دارد و تا حد زیادی برگرفته از آن دیدگاه‌ها به نظر می‌رسد. او در سال ۲۰۰۴ نیز کتاب *قدرت نرم، ابزاری برای موفقیت در سیاست جهانی* را منتشر نمود. نای که استاد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه هاروارد است مناصب دولتی مختلفی را در وزارت دفاع و خارجه امریکا بر عهده داشته است.

بر اساس دیدگاه‌های طرح شده وی در مجموعه مقالات و کتب گوناگون، امریکا به‌جای به‌کارگیری قدرت سخت و انجام کودتای نظامی در کشورهای رقیب باید برای اعمال تغییرات در کشورهای هدف به دنبال تأثیرگذاری بر نخبگان جامعه باشد.

وی همچنین معتقد است زمانی یک کشور یا جامعه به قدرت نرم دست می‌یابد که بتواند اطلاعات و دانایی را به‌منظور پایان‌بخشیدن به موضوعات مورد اختلاف به‌کار ببندد و از اختلافات در سایر جوامع به‌گونه‌ای بهره‌برداری کند که حاصل آن گرفتن امتیاز باشد. وی یکی از نمونه‌های قدرت نرم را کاربرد رسانه‌های جمعی در مناقشات

می‌داند و معتقد است رسانه می‌تواند جایگزین فشار نظامی شود و بدون درگیری و جنگ اثرات عمیقی بر مردم بر جای بگذارد (Nye, 2004: 1-32 & 99-126).

این مجموعه نظرات بعدها تکمیل‌تر شد و به‌عنوان دستورالعمل سیاست خارجی آمریکا تحت عنوان به‌کارگیری قدرت هوشمند یا (Smart Power) به‌مورد اجرا گذارده شد. بر اساس این نظریه، آمریکا با استفاده از ابزار گوناگون دیپلماسی عمومی و قدرت هوشمند تلاش می‌کرد در بدنه جامعه هدف و به‌خصوص در میان نخبگان جامعه نفوذ کند. باید توجه داشت که قدرت هوشمند یکی از انواع قدرت نیست، بلکه راهبرد جدیدی در کاربرد قدرت است که در آن گزینه‌های مختلفی برای استفاده از قدرت از جمله قدرت سخت و قدرت نرم وجود دارد. گزینه نظامی آخرین گزینه در جهت به‌کارگیری هوشمندانه قدرت است. البته در نظریه قدرت هوشمند به بهره‌گیری از قدرت نرم اولویت داده شده است (Cohen, Nye, Armitage, 2007: 7).

در مجموع می‌توان جنگ نرم را مجموعه اقدامات سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی غیرخشونت‌آمیز با هدف تغییر رفتار و در نهایت براندازی نظام سیاسی مورد نظر دانست. هدف نهایی جنگ نرم براندازی نظام سیاسی با بهره‌گیری از قدرت نرم کشور مهاجم است.

- با عنایت به آنچه بیان شد می‌توان موارد زیر را به‌عنوان اهداف جنگ نرم بر شمرد:
۱. استحاله فرهنگی از طریق اطلاع‌رسانی هدفمند و کنترل‌شده رسانه‌های نظام سلطه که به انحراف افکار عمومی منجر می‌شود.
 ۲. استحاله سیاسی با هدف ناکارآمد جلوه دادن نظام هدف و ارکان آن.
 ۳. ایجاد رعب و وحشت از فقر اجتماعی، دامن‌زدن به ترس از جنگ و قدرت نیروهای سرکوب‌گر و دعوت به تسلیم از طریق پخش شایعات و دامن‌زدن به جو بی‌اعتمادی و تشدید ناامنی روانی.
 ۴. اختلاف‌افکنی در صفوف مردم و ایجاد اختلاف میان مقام‌های نظامی و سیاسی کشور مورد نظر در راستای تجزیه سیاسی کشور.

۵. ترویج روحیه یأس و ناامیدی به جای تقویت نشاط اجتماعی و احساس بالندگی از پیشرفت‌های کشور.

۶. بی تفاوت کردن نسل جوان کشور هدف در قبال مسائل مهم و حساس. (تجربگی غریب‌آبادی، ۱۳۸۹، abna.ir/data.asp?lang=1&Id=213758).

با عنایت به آنچه بیان شد، فتنه و به‌خصوص فتنه اجتماعی - سیاسی می‌تواند ثبات و استحکام یک نظام سیاسی را به‌طور جدی به خطر اندازد. بنابراین فتنه در فرایند جنگ نرم نقشی تعیین‌کننده دارد و فضای فتنه‌گونه به تسریع اهداف جنگ نرم کمک می‌کند. هدف از فرایند "جنگ نرم" که مباحث مربوط به آن از دهه ۱۹۷۰ به تدریج جای خود را در ادبیات سیاسی جهان باز کرد، براندازی نظام سیاسی مورد نظر از طریق تضعیف باورها و ارزش‌ها، جایگزین کردن ارزش‌های جدید و در نهایت تغییر هویت و رویارویی غیرخشونت‌آمیز با نظام سیاسی مستقر است.

چنانچه ملاحظه شد هر فتنه‌ای می‌تواند حاصل جنگ نرم باشد، اما هر جنگ نرمی منجر به فتنه نمی‌شود و در صورت حفظ هشیاری و مقابله مؤثر می‌توان از این مسئله اجتناب کرد. به‌عنوان مثال جنگ نرم یهودیان صدر اسلام به فتنه و دودستگی میان مسلمانان منجر نشد، اما عملیات روانی و جنگ نرم منافقین در زمان پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌و آله و سلم) به فتنه عمیق و ریشه‌داری انجامید که سال‌ها ادامه پیدا کرد. در این دوره عبدالله ابی در جامعه مسلمانان دودستگی ایجاد کرد و کار به جایی رسید که مسلمانان به روی هم سلاح کشیدند، ولی در نهایت با تدبیر پیامبر این فتنه منافقان به شکست انجامید. با عنایت به همین مسئله، مطالعه شرایط اجتماعی - سیاسی دوران زمامداری و خلافت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) که همراه با فتنه‌های گوناگون مخالفان ایشان بود و همین‌طور بررسی محرک‌ها و عواملی که سبب پیشبرد فتنه و اهداف جنگ نرم در جامعه آن روز اسلامی شد، می‌تواند در درک ابعاد این خطر نوظهور و یافتن بهترین شیوه‌های مقابله با آن به ما کمک کند. به‌خصوص که در این دوره حدوداً پنج‌ساله، فتنه‌ای همچون فتنه اصحاب جمل به جنگ سخت و درگیری نظامی انجامید.

ج. فتنه‌های دوران خلافت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)

مرور فتنه‌های متعدد دوران خلافت حضرت علی (علیه‌السلام) و درک ابعاد و زمینه‌های به‌وجود آمدن آنها از آن جهت ضروری است که بدون درک این فتنه‌ها، پی‌بردن به چگونگی شکل‌گیری جنگ نرم به‌عنوان مقدمه فتنه دشوار خواهد بود. حضرت علی (علیه‌السلام) در مدت کوتاه زمامداری و هدایت جامعه اسلامی با سه فتنه عمده و فراگیر مواجه شدند که هر یک از آنها زمینه‌های متعدد اجتماعی را برای پیشبرد جنگ نرم مخالفان حضرت (علیه‌السلام) در جامعه به‌وجود آوردند. این فتنه‌ها به‌ترتیب عبارت بودند از فتنه‌های ناکثین، قاسطین و مارقین.

فتنه ناکثین

فتنه ناکثین ثمره اتحاد طلحه و زبیر اصحاب با سابقه رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌و‌سلم) با عایشه دختر ابوبکر و یکی از همسران پیامبر اسلام بود. زبیر پسر عمه رسول خدا و علی (علیه‌السلام) بود و از یاران شجاع پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌و‌سلم) محسوب می‌شد و همراه با طلحه صحابی پُر منزلت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌و‌سلم) از مدافعان حریم ولایت بوده و هر دو پس از ماجرای قتل عثمان تمایل به کسب مقام خلافت داشتند و خود را در این زمینه محق می‌دانستند. اما پس از هجوم مردم به منزل امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و اصرار عمومی برای پذیرش این مقام از سوی ایشان طلحه و زبیر سکوت کردند و انتظار داشتند حداقل حکومت بصره و کوفه به آنها برسد، اما عدم معامله‌گری و حق‌نگری حضرت علی (علیه‌السلام) آنها را به مخالفت و دسیسه‌گری کشاند. طلحه و زبیر با سفر به مکه به بهانه انجام اعمال حج با عایشه که کینه حضرت علی (علیه‌السلام) را از مدت‌ها قبل در دل داشت هم‌دست شدند و به بهانه قصاص قاتلان عثمان خواستار پاسخگویی امیرمؤمنان شدند و ایشان را که در جهت جلوگیری از قتل عثمان نهایت تلاش خود را کرده بود، به هم‌دستی با قاتلان وی متهم کردند. این فتنه بی‌سابقه باعث حیرت و سردرگمی بسیاری از مسلمانانی شد که شاهد اختلاف و منازعه عده‌ای از پیشگامان اسلام و صحابی بزرگ رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌و‌سلم) با یکدیگر بودند.

در نهایت این فتنه که در بستر جنگ نرم ناکثین شکل گرفته بود به آغاز یک جنگ سخت به نام جمل انجامید. جنگ جمل حاصل یک جنگ نرم بسیار پیچیده و حساب شده بود که طراحان آن به بهانه خون‌خواهی عثمان در جامعه دودستگی و بدبینی ایجاد کردند و با مرگ حداقل ۱۰ هزار نفر به پایان رسید (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۴: ۴۵۲).

فتنه‌ای که دنیاخواهی، قدرت‌طلبی و حب نفس از جمله مهم‌ترین زمینه‌های آغاز آن بود. حضرت علی (علیه‌السلام) که از پیمان‌شکنی طلحه و زبیر و فتنه‌افروزی عایشه بسیار اندوهگین و افسرده شده بودند، در خطبه ۱۳۷ نهج‌البلاغه در این مورد فرمودند:

اللَّهُمَّ إِنَّهُمَا قَطَعَانِي وَ ظَلَمَانِي وَ نَكَنَّا بَيْعِي وَ أَلَبَّا النَّاسَ عَلَيَّ فَاحْتُلُّ مَا عَقَدَا وَ لَا تُحْكِمْ لَهُمَا مَا أَبْرَمَا وَ أَرِهِمَا الْمَسَاءَةَ فِيمَا أَمَلَا وَ عَمَلَا. «خدایا، طلحه و زبیر با من قطع رحم کردند و بر من ستم روا داشتند، و بیعتم را شکستند، و مردم را بر من شوراندند. پس آنچه را ایشان بسته‌اند بگشا، و آنچه را تابیده‌اند محکم مکن، و برای آنان در آنچه آرزو کردند و به اجرا گذاشتند بدی ارائه کن.

فتنه قاسطین

معاویه که در زمان عمر توانسته بود حکومت شام را به دست آورد، به دلیل دوری شام از مرکز خلافت و اختلافات شدید داخلی که عثمان خلیفه سوم مسلمین به علت بی‌کفایتی‌ها و انحرافاتش در جامعه اسلامی به وجود آورده بود موفق شد برای خود دستگاه حکومتی نسبتاً مستقلی ایجاد کرده و با استقلال قابل توجهی به حکمرانی بپردازد.

وی که در جریان قیام مردم علیه عثمان با تأخیر و درنگ فراوان از کمک به وی خودداری کرده بود، بلافاصله پس از قتل او با هم‌دستی عمرو عاص سیاستمدار حيله‌گر مدعی خونخواهی خلیفه مقتول شد و با هدف ایجاد فتنه و آشوب بر علیه حکومت نوپای امیرالمومنین (علیه‌السلام) که حاضر به تحمل وی به عنوان حاکم شام نبود، آماده جنگ شد.

حضرت علی (علیه‌السلام) بعد از اتمام فتنه ناکثین و اصحاب جمل برای مقابله با فتنه قاسطین که از هر روشی — اعم از تبلیغات واهی در مورد مظلومیت خلیفه مقتول (عثمان)، بخشش‌های کلان مالی و خریدن افراد پُرنفوذ، جاسوسی و اختلاف‌افکنی،

ترور یاران مؤثر حضرت علی (علیه السلام) مانند قیس بن سعد بن عباده - برای فریب مردم و ایجاد اختلاف و ناامنی در جامعه بهره می گرفتند، عازم نبرد صفین شد (طبری آملی، ۱۳۸۸: ۹۰-۲۴۸۷) سرانجام همین حيله‌ها و نفاق افکنی‌ها با اقدامات خائنه افرادی همچون اشعث بن قیس و نافرمانی وی از امیرالمؤمنین در فرماندهی نبرد و فتنه قرآن به سر نيزه کردن موجب شد تا برخی یاران نادان حضرت علی (علیه السلام) خواستار حکمیت و پایان نبرد با سپاهیان معاویه شوند و در نتیجه، نبردی که در حالت عادی به طور قطع با پیروزی لشکریان امیرالمؤمنین (علیه السلام) به پایان می رسید با مکر و حيله دشمنان، نابخردی ساده لوحان و تلاش مزدوران و جاسوسان به نتیجه نرسید.

فتنه مارقین

حکمیت میان امیرالمؤمنین (علیه السلام) و معاویه که با هدف رفع فتنه قاسطین از سوی عده‌ای مغرض و ساده لوح پیشنهاد شده بود، در عمل باعث شکل گیری فتنه‌ها و آشوب‌های دیگر شد و مشکلات اجتماعی - سیاسی قبلی را تشدید کرد. عمرو عاص حکم معاویه موفق شد ابو موسی اشعری حکم امیرالمؤمنین را که با فشار عده‌ای از سپاهیان ساده لوح حضرت علی (علیه السلام) انتخاب شده بود، فریب دهد و در حالی که دو طرف بر خلع علی (علیه السلام) و معاویه توافق کرده بودند، اشعری، علی (علیه السلام) را از خلافت خلع کرد، اما عمرو عاص معاویه را بر خلاف وعده‌ای که داده بود به خلافت برگزید. بعد از این جریان همان گروهی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به پذیرش حکمیت مجبور کرده، پشیمان شده و توبه کردند و از علی (علیه السلام) هم خواستند که توبه کند. امام علی (علیه السلام) به تندی با آنان برخورد کرده و فرمودند: «الْم تَقُولُوا عِنْدَ رَفْعِهِمُ الْمَصَاحِفَ حَيْلَهُ وَ غِيْلَهُ، وَ مَكْرًا وَ خَدِيْعَةً: اِخْوَانُنَا وَ اَهْلُ دَعْوَتِنَا، اِسْتَقَالُوْنَا وَ اِسْتَرَاخُوْنَا اِلَى كِتَابِ اللّٰهِ سُبْحَانَهُ، فَالرَّأْيُ الْقَبُولِ مِنْهُمْ وَ التَّنْفِيسُ عَنْهُمْ؟ فَقُلْتُ لَكُمْ هَذَا اَمْرٌ ظَاهِرُهُ اِيْمَانٌ وَ بَاطِنُهُ عُذُوَانٌ، وَ اَوَّلُهُ رَحْمَةٌ وَ اٰخِرُهَا هِنْدَامَةٌ، فَاَقِيْمُوْا عَلٰى شَاْنِكُمْ وَ اَلْزَمُوْا طَرِيْقَكُمْ وَ عَضُّوْا عَلٰى الْجِهَادِ بَنُوْا اَجْدِيْكُمْ، وَ لَا تَلْتَفِتُوْا اِلٰى نَاعِقٍ نَعَقَ اِنْ اُجِيبَ اَصْلٌ وَ اِنْ تُرِكَ دَلٌّ - وَ قَدْ كَانَتْ هَذِهِ الْفَعْلَةُ - وَ قَدْ رَأَيْتُمْ اَعْطَيْتُمُوْهَا وَ اللّٰهُ لِيْنُ اَبْيْتِهَا مَا وَجَبَتْ عَلٰى فَرِيضَتِهَا وَ لَا حَمَلَنِي اللّٰهُ ذَنْبَهَا، وَ اللّٰهُ

إِنْ جِئْتَهَا إِنِّي لَلْمُحِقُّ الَّذِي يُتَّبَعُ وَإِنَّ الْكِتَابَ لَمَعِي، مَا فَارَقْتُهُ مُدْصَحِبْتَهُ. «هنگامی که با توطئه و نیرنگ و مکر و فریب، قرآن را بر نیزه کردند، آیا این شما نبودید که می‌گفتید اینان برادران و هم‌کیشان ما‌اند که از ما پوزش می‌خواهند و به کتاب خدا پناه آورده‌اند تا در سایه‌اش بیارامند. پس باید رأی‌شان را پذیرفت و زیر فشارشان قرار نداد؟ اما من شما را گفتم که این جریانی دو چهره است که نمود آشکارش، ایمان و پنهانش، ستم و دشمنی است. آغازش، مهربانی و پایانش، پشیمانی است. پس در موضع کنونی‌تان پای بفشارید و به خط خویش وفادار بمانید و ادامه جهاد را دندان‌به‌دندان بسایید و بر صدای ناهنجاری که اگر پاسخی بیابد به گمراهی می‌کشانند و اگر نه، خود خوار و زبون می‌شود، بی‌اعتنا بمانید. و دیدید که تجربه نیز این باور را تأیید کرد. اما دریغ که شما در برابر چشم و نگاه من، به مخالفتم ایستادید و به خواست دشمن تن دادید. به خدا سوگند! اگر آن روز به‌زعم سماجت و اصرار شما، از پذیرش آن پیشنهاد سرباز می‌زدم، مسئول پی‌آمدهایش نبودم و خداوند گناه آن را بر پرونده من نمی‌افزود. اینک نیز که به سبب مصالح امت آن را پذیرفته‌ام، باز هم حقی را صاحبم و باید از من پیروی کنید؛ زیرا قرآن با من است و از روزی که توفیق همدمی‌اش را یافته‌ام، لحظه‌ای از آن جدا نگشته‌ام» (نهج البلاغه خطبه ۱۲۲).

این عده هم کینه علی (علیه‌السلام) را به دل گرفته، با خروج از کوفه و کشتار برخی صحابه پیامبر، امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را مجبور به واکنش کردند. گروه یادشده که به خوارج مشهور شدند در جنگ نهروان شکست سختی از مولا علی (علیه‌السلام) خورده و به جز ۱۰ نفر بقیه کشته شدند (خوبی، ۱۳۶۴: ۲۷۹).

می‌توان گفت فتنه خوارج حاصل ترکیب تحجر و جهالت دینی با روشنفکری بی‌بنیاد بود و اجتهاد شخصی و عدم تبعیت از مرجع و رهبر دینی زمانه همراه با ظاهربینی و تقدس‌نمایی دو پایه اساسی این فتنه را تشکیل می‌داد. به فرموده شهید مطهری بصیرت نداشتن در دین و عمل، پدیدآورنده فتنه‌هایی همچون خوارج است (مطهری، ۱۳۸۹: ۴ - ۱۲۳).

د. ریشه‌های اجتماعی پیش‌برنده فتنه در جنگ نرم

با عنایت به آنچه ذکر شد و مرور اجمالی، تاریخی سه فتنه بزرگ و سرنوشت‌سازی که در نهایت تحقق اهداف حکومت عدل حضرت علی (علیه‌السلام) را دچار مشکل کرد، می‌توان عوامل مختلفی را به عنوان زمینه‌های اجتماعی پیشبرد فتنه و تحقق اهداف جنگ نرم دشمنان نظام اسلامی برشمرد. این عوامل که حضرت امیر (علیه‌السلام) بارها در سخنان و فرامین مکتوب خود به آنها اشاره کرده‌اند به شرح زیر قابل دسته‌بندی است.

۱. زمینه‌های اجتماعی مربوط به مردم

۲. زمینه‌های اجتماعی مربوط به خواص بی‌بصیرت

در ادامه زمینه‌های پیشبرد فتنه در جنگ نرم از دیدگاه حضرت علی (علیه‌السلام) را در هر یک از این دو بخش به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. زمینه‌های اجتماعی مربوط به مردم

در این بخش سه عامل اساسی از کلام حضرت امیر (علیه‌السلام) و با عنایت به خطبه‌ها و نامه‌های ایشان قابل استخراج است:

۱.۱. جهل و بی‌تفاوتی مردم

مولا علی (علیه‌السلام) از مردم زمان خود بارها به علت جهل و نادانی شکوه کرده‌اند. این نادانی و بی‌تفاوتی در برابر مسائل دینی و اعتقادی و عدم اطلاع از اهداف حکومت اسلامی و آرمان‌های آن باعث سو استفاده‌های گسترده فتنه‌گران شده بود و آنان توانسته بودند ضمن انحراف توجه مردم از آرمان‌های مدنظر حضرت علی (علیه‌السلام) و مسائل کلان و اصلی جامعه، افراد عادی را به آلت دست خود مبدل کرده و در نهایت با تأکید بر ضعف‌ها و مشکلات حکومت اسلامی و تکرار و بزرگ‌نمایی آن، جلوی اطلاع مردم از واقعیات را گرفته و آنها را به یأس و ناامیدی بکشند.

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در خطبه ۱۷ نهج‌البلاغه در مورد جهل مردم زمانه در برابر معارف حقیقی و راستین قرآن می‌فرماید: *إِلَى اللَّهِ أَشْكُو مِنْ مَعْشَرٍ يَعِيشُونَ جَهْلًا، وَ يَمُوتُونَ ضَلَالًا. لَيْسَ فِيهِمْ سَلْعَةٌ أَبْوَرُ مِنْ الْكِتَابِ إِذَا تُلِيَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ، وَلَا سَلْعَةٌ أَنْفَقُ بَيْعًا*

وَلَا أَعْلَىٰ تَمَنَّا مِنَ الْكِتَابِ إِذَا حُرِّفَ عَنْ مَوَاضِعِهِ، وَلَا عِنْدَهُمْ أَنْكَرٌ مِنَ الْمَعْرُوفِ وَلَا أَعْرَفٌ مِنَ الْمُنْكَرِ .

«به خداوند شکوه می‌کنم از مردمی که به نادانی زندگی می‌کنند و با گمراهی می‌میرند. هیچ کالایی در نزد آنان بی‌رونق‌تر از کتاب خدا — آن‌گاه که به حق و شایسته تلاوت شود — نیست و چون با تغییر و تحریف خوانده شود، هیچ کالایی سودآورتر از آن نباشد و در نزد آنان چیزی زشت‌تر از معروف و نیکوتر از منکر نیست.»

نگرانی مولا علی (علیه‌السلام) از نادان ماندن مردم و مرگ آنها در گمراهی و بدون درک معارف و حقایق دین به‌خوبی در این خطبه منعکس شده است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در این خطبه به روشنی هشدار داده‌اند که جهل و نادانی مردم زمینه را برای تحریف واقعیت در نزد آنان و جابه‌جایی معروف و منکر فراهم می‌آورد، امری که فتنه‌انگیزی در جامعه اسلامی و فریب مردم را تسهیل می‌کند.

۱۷۹

مطالعات
قدرت‌نور

سال اول، پیش‌شماره سوم، پاییز ۱۳۹۰
محرک‌های اجتماعی پیشبرد فتنه در جنگ نرم ..

۲.۱. تبعیت از حاکمان منحرف

حاکمان منحرف و فاسد که جامعه را به سوی تباهی و انحراف هدایت می‌کنند از جمله عوامل مهم زمینه‌ساز فتنه‌های اجتماعی و پیشبرد جنگ نرم در جامعه هستند و مردمی که کورکورانه از آنها تبعیت می‌کنند هم حرکت‌های انحرافی و فتنه‌گرانه را تسریع و تسهیل می‌کنند. به همین علت است که به فرموده امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) حاکمان دارای روحیه نژادپرستانه، قوم‌گرایانه و مبتلا به صفت زشت خود بزرگ‌بینی از ارکان فتنه محسوب می‌شود.

در خطبه ۱۹۲ نهج‌البلاغه از قول آن بزرگوار چنین آمده است: أَلَا، فَأَلْحَذَرَ الْحَذَرَ مِنْ طَاعَةِ سَادَاتِكُمْ وَكِبْرَائِكُمْ! الَّذِينَ تَكَبَّرُوا عَنْ حَسَبِهِمْ، وَتَرَفَّعُوا فَوْقَ نَسَبِهِمْ، وَالْقَوَا أَلْهَجِيئَةً عَلَى رَبِّهِمْ، وَجَاخَذُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا صَنَعَ بِهِمْ، مُكَابِرَةً لِقَضَائِهِ، وَمُعَالَبَةً لِأَلَائِهِ، فَإِنَّهُمْ قَوَاعِدُ أَسَاسِ الْعَصَبِيَّةِ، وَدَعَائِمُ أَرْكَانِ الْفِتْنَةِ، وَسُيُوفُ اغْتِرَاءِ الْجَاهِلِيَّةِ .

«هان بترسید! بترسید! از پیروی مهتران و بزرگان‌تان که به گوهر خود نازیدند و نژاد خویش را برتر دیدند، و نسبت آن عیب را بر پروردگار خود پسندیدند و بر نعمت خدا در حق خویش انکار ورزیدند، به ستیزیدن برابر قضای او و بر آغالیدن (چیره آمدن) بر

نعمت‌های او. پس آنان پایه‌های عصبیتند و ستون‌های فتنه و شمشیرهای نازش — به خوی — جاهلیت».

ویژگی‌های حاکمان منحرف و زمینه‌ساز فتنه در این خطبه نهج‌البلاغه به‌خوبی بیان شده است. حاکمانی که به‌جای شکر نعمات خداوندی، با کفران آن و همین‌طور با خودبزرگ‌بینی، عامل پیشبرد خلق و خوی جاهلی در جامعه، تقویت اختلافات قومی و نژادی و در نهایت فتنه‌انگیزی بدخواهان می‌شوند.

۳. ۱. ثروت‌اندوزی و مال‌پرستی

یکی از عوامل اصلی پیشبرد جنگ نرم در جامعه که از دیرباز تا به حال در کلام بزرگان مورد توجه و اشاره قرار گرفته و امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیز به صراحت آن را مورد توجه قرار داده، آفت مال‌اندوزی و پول‌پرستی است که نه تنها باعث افزایش شیوع فتنه در جامعه می‌شود، بلکه زمینه فروپاشی و اضمحلال جوامع را هم فراهم می‌آورد.

در قرآن کریم به صراحت به این مسئله اشاره شده که جوامع مختلفی به علت فراوانی نعمت و به‌دلیل مستی حاصل از آن به تباهی کشیده شده‌اند. از جمله در آیه ۵۸ سوره مبارکه قصص در این مورد می‌خوانیم: «وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرِيْبَةٍ بَطَرَتْ مَعِيْشَتَهَا فِتْلَكَ مَسَاكِيْنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ اِلَّا قَلِيْلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِيْنَ» (و چه بسیار از شهرها و آبادی‌هایی که بر اثر فراوانی نعمت، مست و مغرور شده بودند هلاک کردیم! این خانه‌های آنهاست که (ویران‌شده، و) بعد از آنان جز اندکی کسی در آنها سکونت نکرد و ما وارث آنان بودیم!

به دنبال رحلت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) و حاکمیت خلفای سه‌گانه یکی از انحرافات اساسی ایجاد شده در جامعه اسلامی، جمع‌شدن ثروت و امکانات اقتصادی در دست طبقه‌ای محدود و عدم توزیع عادلانه آن بود که باعث ایجاد شکاف طبقاتی و بسترساز ایجاد فتنه و پیشبرد جنگ نرم شد. علی (علیه‌السلام) در خطبه ۱۵۱ نهج‌البلاغه در مورد مستی حاصل از نعمت‌ها که موجب فتنه‌گری و فتنه‌زدگی می‌شود به این شرح هشدار داده‌اند: «ثُمَّ اِنَّكُمْ مَعْشَرَ الْعَرَبِ اَعْرَاضُ بَلَايَا قَدْ اقْتَرَبَتْ. فَانْقُؤْا

سَكَرَاتِ النُّعْمَةِ، وَاحْذَرُوا بَوَائِقَ النُّقْمَةِ، وَتَتَبُّوا فِي قَتَامِ الْعَشْوَةِ، وَاعْوِجَاجِ الْفِتْنَةِ، عِنْدَ طُلُوعِ جَنِينِهَا، وَظُهُورِ كَمِينِهَا، وَأَنْتِصَابِ قُطْبِهَا، وَمَدَارِ حَاهَا.

«شما ای مردم عرب، نشانه بلاهایی هستید که بسیار نزدیک است. پس از مستی‌های نعمت بپرهیزید، و از سختی‌های عقوبت حذر کنید، و در گرد و غبار ظلمت شبهه، و ناهمواری راه فتنه، به‌وقت پدیدآمدن طلیعه‌اش، و آشکارشدن نهانش، و برقراری محورش، و گردش آسیایش برجای خویش ثابت بمانید».

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که از نگاه مولا علی (علیه‌السلام) ثروت‌اندوزی و توجه بیش از حد به جمع‌آوری مال دنیا نتیجه‌ای جز سرمستی و غفلت و بی‌توجهی به شبهات و مشکلاتی که در جامعه به‌وجود آمده، نخواهد داشت. در چنین شرایط غبارآلودی، فتنه‌گران به‌سادگی می‌توانند به نیت خود جامعه عمل بپوشانند و تنها راه جلوگیری از این وضعیت تلاش برای کاهش شکاف طبقاتی در جامعه و جلوگیری از تجمع ثروت و امکانات مادی و رفاهی در دست عده‌ای خاص و محدود است.

۲. زمینه‌های اجتماعی مربوط به خواص بی‌بصیرت

گروه دیگری که با عملکرد و انحرافات خود به تحقق اهداف فتنه‌گران و حامیان جنگ نرم در جامعه کمک می‌کنند خواص بی‌بصیرت هستند. بررسی خطبه‌ها و فرمایشات امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نشان می‌دهد این گروه که در سطح و درکی بالاتر از مردم عادی قرار داشتند و از نفوذ و تأثیرگذاری گسترده بر جامعه و امکان هدایت افکار عمومی برخوردار بودند در کنار آلودگی به برخی از انحرافات مردم عادی، به علت شرایط و ویژگی‌های خاصی که داشتند از دو طریق منحصر به فرد به پیشبرد جنگ نرم و اهداف فتنه‌گران در جامعه کمک می‌کردند که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

۲.۱. انحراف در مسیر صحیح دین‌داری

خواص بی‌بصیرت و مدعیان دین‌داری با درک نادرست از اسلام و قرآن از یک‌سو موجب گمراهی مردم شده و آنان را به‌سوی ضلالت هدایت می‌کنند و از سوی دیگر مانع از موفقیت حاکمان متقی و مصلحان جامعه در جهت معرفی ابعاد و ویژگی‌های حقیقی دین اسلام می‌شوند.

ظهور فرقه‌های منحرف مدعی دین‌داری از صدر اسلام تاکنون ثمره انحراف خواص بی‌بصیرتی بود که در ایام خلافت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) گرد خوارج، معاویه و... جمع شدند و با فتنه‌انگیزی سرانجام حکومت علی (علیه‌السلام) را به بن‌بست رساندند. مولا علی (علیه‌السلام) در حکمت ۳۶۹ نهج‌البلاغه رابطه فتنه‌انگیزی و ضعف در دین‌شناسی را به بهترین وجه تشریح کرده‌اند:

و قال عليه السلام: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى فِيهِمْ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ، وَمِنْ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ، مَسَاجِدُهُمْ يَوْمئِذٍ عَامِرَةٌ مِنَ الْبُنَى، خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى، سُكَّانُهَا وَعُمَارُهَا شَرُّ أَهْلِ الْأَرْضِ، مِنْهُمْ تَخْرُجُ الْفِتْنَةُ، وَإِلَيْهِمْ تَأْوِي الْخَطِيئَةُ، يَرُدُّونَ مَنْ شَدَّ عَنْهَا فِيهَا، وَيَسْوِقُونَ مَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا إِلَيْهَا، يَقُولُ اللَّهُ: فَبِي حَلَفْتُ لَأَبْعَثَنَّ عَلَى أَوْلَيْكَ فِتْنَةً تُتْرَكُ الْحَلِيمَ فِيهَا حَيْرَانَ».

«مردم را روزگاری رسد که در آن از قرآن جز نشان نماند و از اسلام جز نام آن. در آن روزگار بنای مسجدهای آنان از بنیان آبادان است و از رستگاری ویران. ساکنان و سازندگان آن مسجدها بدترین مردم زمینند. فتنه از آنان خیزد و خطا با آنان درآویزد. آن که از فتنه به کنار ماند بدان بازش گردانند و آن که از آن پس افتد به‌سویش برانند. خدای تعالی فرماید: به خدا سوگند، بر آنان فتنه‌ای بگمارم که بردبار در آن سرگردان ماند.»

توصیفی که حضرت امیر (علیه‌السلام) در حکمت ۳۶۹ نهج‌البلاغه از انحراف در مسیر صحیح دین‌داری از سوی عده‌ای از مدعیان اسلام و قرآن ارائه داده‌اند، گویای شرایط دشواری است که امروزه بسیاری از جوامع مسلمان عربی در آن به‌سر می‌برند. در این جوامع ظواهر و شعائر اسلامی ظاهراً به‌خوبی رعایت می‌شود و مردم نیز از سوی حاکمان به آنچه که مسیر درست معرفت توصیف می‌گردد، دعوت می‌شوند. اما در حقیقت این مسیر، مسیر فتنه است و حاکمان غاصب این جوامع اسلامی هم تلاش می‌کنند مردم را به هر روشی مجبور به تبعیت از خود کنند، غافل از اینکه وعده انتقام الهی خداوند که در این حکمت از زبان حضرت علی (علیه‌السلام) بیان شده، روزی محقق خواهد شد.

۲.۲. ایجاد شبهه و بدعت در دین

ایجاد و شیوع شبهه در جامعه اسلامی به خصوص در حوزه‌های دینی نتیجه‌ای جز بی‌توجهی به ارزش‌ها و احکام اسلامی، حلال‌شدن امور حرام و حرام‌شدن امور حلال نداشته و فتنه‌انگیزی در جامعه را برای کارگزاران جنگ نرم ساده‌تر می‌کند.

حضرت علی (علیه‌السلام) هم در خطبه ۱۷ نهج‌البلاغه به صراحت انسان‌های بدعت‌گذار را عامل فتنه و ایجاد انحراف معرفی کرده و می‌فرماید: **إِنَّ أَبْغَضَ الْخَلَائِقِ إِلَى اللَّهِ رَجُلَانِ: رَجُلٌ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ، فَهُوَ جَائِرٌ عَنْ قَصْدِ السَّبِيلِ، مَشْغُوفٌ بِكَلَامِ بَدْعِهِ، وَدُعَاءِ ضَلَالَةٍ. فَهُوَ فِتْنَةٌ لِمَنْ افْتَتَنَ بِهِ، ضَالٌّ عَنْ هُدًى مَنْ كَانَ قَبْلَهُ، مُضِلٌّ لِمَنْ افْتَدَى بِهِ فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ وَفَاتِهِ، حَمَالٌ خَطَايَا غَيْرِهِ، رَهْنٌ بِخَطِيئَتِهِ. وَرَجُلٌ قَمَشَ جَهْلًا، مُوَضِّعٌ فِي جُهَالِ الْأُمَّةِ، عَادَ فِي أَعْبَاشِ الْفِتْنَةِ، عَمَّ بِمَا فِي عَقْدِ الْهُدْيَةِ. قَدْ سَمَاءُ أَشْبَاهِ النَّاسِ عَالِمًا وَكَيْسَ بِهِ ... جَلَسَ بَيْنَ النَّاسِ قَاضِيًا، ضَامِنًا لِتَخْلِيصِ مَا التَّبَسَّ عَلَى غَيْرِهِ! ... فَإِنَّ نَزَلَتْ بِهِ إِحْدَى الْمُبْهَمَاتِ هَيَّا لَهَا حَشْوًا رَثًا مِنْ رَأْيِهِ، ثُمَّ قَطَعَ بِهِ. فَهُوَ مِنْ لَبْسِ الشُّبُهَاتِ فِي مِثْلِ نَسِجِ الْعَنْكَبُوتِ، لَا يَدْرِي أَصَابَ أَمْ أَخْطَأَ؟ ... تَصْرُخُ مِنْ جَوْرِ قَضَائِهِ الدَّمَاءِ، وَتَعِجُّ مِنْهُ الْمَوَارِيثُ.**

خداوند دو کس را بیش از همه دشمن می‌دارد: نخست کسی که خداوند او را به حال خودش واگذاشته و او از راه راست منحرف شده و دلش شیفته سخنانی است که بدعت‌آور است و به گمراهی فرا می‌خواند. چنین انسانی فتنه‌ای است برای فتنه‌جویان. او راه روشن پیشینیان را نیافته و آنان را که در زمان حیات یا پس از مرگش از وی دنباله‌روی می‌کنند، گمراه می‌سازد. او هم بار گناهان دیگران را بر دوش می‌کشد و هم در گروه خطاهای خویش است و دوم کسی است که انبوهی از نادانی را در خود فراهم ساخته و در میان مردم نادان برای فریب‌دادنشان به هر سوی می‌شتابد. در تاریکی‌های فتنه می‌تازد و در بستن پیمان سازش میان مردم کور است. انسان‌نماها او را دانشمند می‌نامند؛ در حالی که چنین نیست.... به ناحق در میان مردم بر کسی داوری نشست، و بیان اموری را که بر دیگران مشتبّه شده به‌عهده گرفت. اگر مسئله مبهمی را نزد او طرح کنند، آرای سست و بی‌پایه‌اش را در کار می‌آورد و بر اساس آن حکم قطعی می‌دهد. او

مانند مگسی که گرفتار تارهای عنکبوت شده در گیر شبهات است و نمی‌داند که آیا در حکم خود بر صواب بوده یا بر خطا... خون‌های به ناحق ریخته و میراث‌های غارت‌شده از داوری‌های ظالمانه او در فریاد و ناله‌اند.

ایشان در خطبه ۱۵۴ نهج‌البلاغه هم عامل اصلی هلاکت بسیاری از مردم در دریای فتنه را چنگ‌زدن به بدعت‌ها و رها کردن سنت‌ها دانسته‌اند.

قَدْ خَاضُوا بِحَارِ الْفِتَنِ وَ اخَذُوا بِالْبِدَعِ دُونَ السُّنَنِ. «جمعی در دریای فتنه غرق شدند، به بدعت‌ها چنگ زدند و سنت‌ها را رها کردند».

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت از دیدگاه حضرت علی (علیه‌السلام)، ایجاد بدعت‌های خلاف واقع در دین به ابزاری در چنگال خواص بی‌بصیرت و منحرفان دین‌گریز مبدل می‌شود که با برداشت‌های مبتنی بر نفسانیات از آیات و روایات برای توجیه هوا و هوس‌هایشان راهی بیابند. این لغزش‌ها به انحراف مردم عادی کمک کرده و کار عالمان آگاه و روشن بین که به دنبال نوآوری در دین بر مبنای مقتضیات زمان و مکان و با رعایت کامل جنبه‌های شرعی و اعتقادی هستند را دشوار می‌کند. رویارویی و درگیری حاصل از این وضعیت که به حاکم شدن بدعت‌ها و کنار گذاشته شدن سنت‌ها می‌انجامد، جامعه را به سمت فتنه‌های عظیم هدایت می‌کند.

۲.۳. دنیا خواهی و زراندوزی

خواص بی‌بصیرت نیز مانند مردم عادی در صورت عدم تمایل به مهار شهوت قدرت و ثروت به آلت دست سران فتنه و ابزار موفقیت جنگ نرم در جامعه مبدل می‌شوند. باید توجه داشت که با توجه به دسترسی این گروه به منابع کلان جامعه دنیاطلبی و ثروت‌اندوزی این افراد تأثیرات به مراتب عمیق‌تر و نگران‌کننده‌تری در جهت پیشبرد اهداف جنگ نرم به دنبال خواهد آورد.

حضرت علی (علیه‌السلام) در یک تحلیل جامع در خطبه ۳ نهج‌البلاغه صفحه ۱۱ معروف به شقشقیه انگیزه مشترک همه سران مخالف با خود اعم از ناکثین، قاسطین و مارقین را دنیاطلبی دانسته و می‌فرماید: فَلَمَّا نَهَضْتُ بِالْأَمْرِ نَكَيْتُ طَائِفَةً، وَ مَرَقْتُ أُخْرَى، وَ قَسَطَ آخَرُونَ، كَانَتْهُمْ لَمْ يَسْمَعُوا كَلَامَ اللَّهِ حَيْثُ يَقُولُ: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعُهَا لِلَّذِينَ

لَا يُرِيدُونَ غُلُوبًا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ». بلی وَاللَّهِ لَقَدْ سَمِعُوهَا وَوَعَوْهَا، وَلَكِنَّهُمْ حَلَيْتِ الدُّنْيَا فِي أَعْيُنِهِمْ، وَرَاقَهُمْ زُبْرُجُهَا. «چون به کار برخاستم، گروهی پیمان بسته شکستند و گروهی از جمع دینداران بیرون جستند و گروهی دیگر با ستم‌کاری دلم را خستند. گویا هرگز کلام پروردگار را نشنیدند — یا شنیدند و کار نبستند — که فرماید: «سرای آن جهان از آن کسانی است که برتری نمی‌جویند و راه تبهکاری نمی‌پویند و پایان کار، ویژه پرهیزگاران است». آری به خدا دانستند، لیکن دنیا در دیده آنان زیبا بود و زیور آن در چشمهایشان خوش‌نما».

سیر وقایع هم نشان داد تمامی فتنه‌گران زمانی به اقدام عملی و تلاش برای جنگ با حضرت علی (علیه‌السلام) پرداختند که متوجه شدند امکان ثروت‌اندوزی و کسب منافع نامشروع و قدرت را به علت عدالت‌طلبی و خونخواهی مولای علی (علیه‌السلام) از دست خواهند داد.

به‌عنوان مثال طلحه که زمانی یار نزدیک پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بود در زمان خلیفه سوم به یکی از سرمایه‌داران بزرگ مبدل شد و هدایای دریافتی او از عثمان شامل درهم‌های بی‌شمار، شمش‌های طلا، باغ‌ها و زمین‌های پُر درآمد بالغ بر دیست هزار دینار بوده است (البلاذری، ۱۴۱۷: ۱۰۸).

زبیر دیگر فتنه‌گر جنگ‌جمل به غیر از مدینه در اسکندریه، کوفه و بصره زمین و خانه داشت و از زندگی تجملی و اشرافی بهره‌مند بود (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۱۰).

در مورد دنیاطلبی و فساد مالی و اخلاقی گسترده معاویه هم به نقل بخشی از نامه عمروعاص به معاویه در ابتدای خلافت علی (علیه‌السلام) اکتفا می‌کنیم که به او هشدار داد: «هر کاری که می‌توانی انجام بده، زیرا فرزند ابوطالب، چنانچه چوب را پوست می‌کنند، تو را از هر مال و سرمایه‌ای که داری، جدا خواهد کرد». (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ قمری: ۲۷۰).

سران خوارج نهروان هم بر خلاف ظاهر شب‌زنده‌دار و مؤمنشان، دین را پلی برای رسیدن به دنیا قرار داده بودند و حضرت علی (علیه‌السلام) به زیبایی در خطبه ۳۲ نهج‌البلاغه به این نکته اشاره کرده‌اند: «وَمِنْهُمْ مَنْ يَطْلُبُ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ، وَلَا يَطْلُبُ

الْآخِرَةَ بِعَمَلِ الدُّنْيَا. قَدْ طَأْمَنَ مِنْ شَخْصِهِ، وَ قَارَبَ مِنْ خَطْوِهِ، وَ شَمَّرَ مِنْ تَوْبِهِ، وَ زَحَرَفَ مِنْ نَفْسِهِ لِلْأَمَانَةِ، وَ اتَّخَذَ سِتْرًا لِلَّهِ ذَرِيعَةً إِلَى الْمُعْصِيَةِ». «گروه دیگر آنکه با عمل آخرت دنیا خواهد، و آخرت را به وسیله عمل صالح دنیوی نجوید. اظهار فروتنی کند، گام‌ها را کوچک بردارد، دامن جامه کوتاه نماید».

به‌طور خلاصه، مال‌اندوزی، دنیاخواهی و قدرت‌طلبی خواص بی‌بصیرت، باعث عدم تمایل به درک حق و حقیقت و نافرمانی آنان از حاکمان الهی می‌شود. همچنین، نگرانی خواص بی‌بصیرت از احتمال از دست‌رفتن منافع نامشروع، این گروه تأثیرگذار جامعه را به سمت کارشکنی، ابهام‌آفرینی، فتنه‌انگیزی و حتی به راه انداختن درگیری و جنگ در جامعه اسلامی متمایل خواهد کرد. این انحراف بزرگ محدود به دوران صدر اسلام نبوده و جوامع اسلامی در سده‌های مختلف با چنین مشکلی دست و پنجه نرم کرده‌اند. در آخرین نمونه از چنین انحرافی شاهد رویدادهای تلخ بعد از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ بودیم که علتی جز دنیاخواهی و طمع قدرت سران فتنه و انحراف آنها از مسیر حق و حقیقت نداشت.

۲.۴. عدم تلاش برای اصلاح روابط ناسالم حکومتی و انحرافات اقتصادی

روابط ناسالم اداری و اقتصادی در یک حکومت که باعث می‌شود مردم برای رسیدن به حقوق خویش و رفع مشکلات‌شان مجبور به اتکا به روش‌های غیرشرعی و غیرقانونی شوند، مشکل اساسی دیگری است که بی‌توجهی به آن از سوی خواص بی‌بصیرت به‌عنوان افرادی که می‌توانند در جهت حل این مشکلات تلاش کنند، به موفقیت جنگ نرم در جامعه کمک می‌کند. نکته تأسف‌برانگیز آن است که در ایام خلافت امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام)، این گروه به جای کمک به کاهش مشکلات یاد شده خود به بخشی از آن تبدیل شده بودند!

در چنین شرایطی خواص بی‌بصیرت با سو استفاده از علاقه برخی مدیران فاسد به زراندوزی و کسب منافع بیشتر و به اسم اعطای هدیه و کمک رشوه‌خواری و فساد را در جامعه رواج دادند، امری که زمینه‌ساز تحقق اهداف جنگ نرم و وقوع فتنه در جامعه اسلامی شد.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در خطبه ۲۲۴ نهج البلاغه به اقدام فردی که شبانه برای ایشان هدیه‌ای آورده بود اشاره کرده و ناروا بودن چنین رفتاری را مورد تأکید قرار داده‌اند: «وَاعْجَبُ مِنْ ذَلِكَ طَارِقٌ طَرَفَنَا بِمَلْفُوفَةٍ فِي وَعَائِهَا، وَ مَعْجُونَةٍ شَبِثَتْهَا، كَأَنَّمَا عَجَنَتْ بِرِيقِ حَيَّةٍ أَوْ قَيْئِهَا، فَقُلْتُ: أَصِلَهُ، أَمْ زَكَاهُ، أَمْ صَدَقَةٌ؟ فَذَلِكَ مُحَرَّمٌ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ! فَقَالَ: لَا ذَا وَلَا ذَاكَ، وَ لَكِنَّهَا هَدِيَّةٌ. فَقُلْتُ: هَبْتِكَ الْهَبُولُ! أَعَنْ دِينَ اللَّهِ أَتَيْنِي لِنَخْدَعَنِي؟ أَمْخْتَبِطُ أَنْتَ أَمْ دُوجِنُهُ، أَمْ تَهْجُرُ؟ وَ اللَّهُ لَوْ أَعْطِيتُ الْاِقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتِ أَفْلاكِهَا، عَلَيَّ أَنْ أَعْصِيَ اللَّهَ فِي نَمَلَةٍ أَسْلُبُهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ».

«و شگفت که از آن اینکه شب هنگام کسی ما را دیدار کرد و ظرفی سرپوشیده آورد — درونش حلوایی سرشته و با روغن و قند آغشته — چنانش ناخوش داشتم که گویی آب دهان مار بدان آمیخته یا زهر مار بر آن ریخته. گفتم صله است یا زکات، یا برای رضای خداست که گرفتن صدقه بر ما نارواست که گفت: نه این است و نه آن است. بلکه ارمغان است. گفتم مادر بر تو بگرید! آمده‌ای مرا از راه دین خدا بگردانی یا خرد آشفته‌ای یا دیو گرفته یا بر بیهوده سخن می‌رانی که به خدا، اگر هفت اقلیم را با آنچه زیر آسمان‌هاست به من دهند، تا خدا را نافرمانی نمایم و پوست جو را از مورچه‌ای به ناروا بربایم، چنین نخواهم کرد».

علت این واکنش تند و قاطع امیرالمؤمنین (علیه السلام) کاملاً قابل فهم است. اگر برخی مدیران یک جامعه آلوده به رشوه و رشوه‌خواری شوند نه علاقه‌ای به وضع قوانین عادلانه خواهند داشت و نه علاقه و توانایی برای مقابله با رشوه‌خواران و عوامل اصلی ایجاد مفاسد اقتصادی در خود احساس خواهند کرد. لذا به مانع تراشی در برابر تحقق عدالت و مقابله با نابودی ریشه‌های فساد اقتصادی و اداری روی خواهند آورد و به پیشبرد جنگ نرم دشمنان در جامعه کمک خواهند کرد. حال اگر در چنین وضعیتی خواص جامعه هم نتوانند به عنوان مصلحانی دلسوز عمل کرده و در جهت مقابله با چنین انحرافات و فتنه‌گرایی عمل کنند، شرایط بیش از پیش به قهقرا خواهد رفت. لذا ضروری است که حاکمان جوامع اسلامی در کشورهای مختلف، امروز هم در جهت مقابله جدی با مفاسد اقتصادی، اختلاس و رشوه‌خواهی اقدام کنند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد با تبیین دو مفهوم فتنه و جنگ نرم و شرایط حاکم بر جامعه در ایام زمامداری امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، علت تأکید مولا علی (علیه‌السلام) بر وجود فتنه در جامعه اسلامی و شرایط و عواملی که ایشان را به چنین جمع‌بندی در مورد وضعیت عمومی رسانده بود تشریح شود.

بر همین اساس مشخص شد، شرایط پیچیده و دشوار موجود در دوره ۵ ساله خلافت حضرت علی (علیه‌السلام) که منجر به درهم آمیختگی حق و باطل، دشواری یافتن مسیر صحیح، ایجاد شبهات متعدد اعتقادی و فکری در جامعه و در نهایت سستی و انحراف مردم شده بود، باعث شد ایشان تعبیر فتنه را به کار برده و در فرصت‌های گوناگون از طریق بیان خطبه، نامه‌نگاری و ... ریشه‌های فکری، اعتقادی و اجتماعی آن را تبیین کنند و نسبت به تحقق اهداف جنگ نرم دشمن در جامعه هشدار دهند.

از نظر حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، پیشبرد فتنه در جامعه در مواردی ریشه در عملکرد غلط مردم داشت و در برخی موارد نیز به دنبال عملکرد انحرافی و فتنه‌انگیز خواص بی‌بصیرت به وجود آمده بود.

جنگ نرم دشمنان حق و حقیقت در آن دوره به فتنه‌هایی سخت منجر شد که در نهایت حکومت بی‌بدیل امیر مؤمنان را به بن‌بست کشاند و با شهادت ایشان کار مقابله با فتنه و جنگ نرم در آن مقطع تاریخی ناتمام ماند. اما روشنگری ایشان به پیروان و مریدان حضرت (علیه‌السلام) در همه اعصار و قرون کمک کرد تا مسیر تحقق جامعه اسلامی را با پرهیز از فتنه‌های رنگارنگ و با پشت سر گذاردن موانع و دسیسه‌های گوناگون به سرعت طی کنند.

در این میان جنگ نرم دشمن در دوران معاصر هم با عنایت به رهنمودهای امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و برداشت‌های عالمانه بزرگان دین و رهبران جامعه اسلامی از این رهنمودها به شکست انجامیده و فتنه‌گری‌های مروجان جنگ نرم و حامیان و مروجان اندیشه‌های آنان در جامعه ره به جایی نبرده است.

در ایران اسلامی، رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای — حفظه‌الله — در مواجهه با فتنه‌های گوناگون و جنگ نرم دشمن با تمسک به قرآن و سیره عملی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و با تکیه بر هوش و شجاعت و قاطعیت خود به خوبی موفق شدند جامعه اسلامی را در برابر آسیب‌ها و خطرات گوناگون حفظ کنند.

ایشان در یکی از سخنان خود ضمن تبیین ابزار جنگ نرم، راهکار اصلی مقابله با آن را بصیرت دانسته و فرموده‌اند: «اولویت (استکبار در مواجهه با نظام اسلامی) آن چیزی است که امروز به آن می‌گویند جنگ نرم، یعنی جنگ به‌وسیله ابزارهای فرهنگی، به‌وسیله نفوذ، به‌وسیله دروغ، به‌وسیله شایعه‌پراکنی. با ابزارهای پیشرفته‌ای که امروز وجود دارد، ابزارهای ارتباطی که ده سال قبل و پانزده سال قبل و سی سال قبل نبوده، امروز گسترش پیدا کرده. جنگ نرم یعنی ایجاد تردید در دل‌ها و ذهن‌های مردم.

یکی از ابزارها در جنگ نرم این است که مردم را در یک جامعه نسبت به یکدیگر بدبین کنند، بد دل کنند، اختلاف ایجاد کنند، یک بهانه‌ای پیدا کنند، با این بهانه بین مردم اختلاف ایجاد کنند مثل همین قضایای بد از انتخابات امسال که دیدید یک بهانه‌ای درست کردند، بین مردم و ایجاد اختلافی کردند، خوشبختانه مردم ما با بصیرتند ... در چنین وضعیتی چه چیزی بیش از همه برای انسان مهم است؟ بصیرت بنده بارها بر روی بصیرت تکیه می‌کنم به خاطر همین ... هر اقدامی که به بصیرت منتهی شود بتواند عنصر خائن را از آحاد مردم جدا کند، این خوب است. هر اقدامی که فضا را مغشوش کند. انسان‌ها را نسبت به یکدیگر مژردد کند، فضای تهمت‌آلود باشد، مجرم و غیرمجرم در آن مخلوط بشوند، این فضا مضر است» (بیانات در دیدار جمع

کثیری از بسیجیان کشور در تاریخ ۸۸/۹/۴ برگرفته از LEADER.IR).

چنانچه مشاهده می‌شود رهبر فرزانه انقلاب ایجاد اختلاف و شبهه در جامعه را ابزار اصلی پیشبرد جنگ نرم و افزایش بصیرت و تلاش در جهت جدا کردن حق و باطل از یکدیگر را روش اصلی مقابله با این خطر جدی در جامعه دانسته‌اند، فرمایشاتی راهگشا که دقیقاً منطبق بر کلام امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و آموزه‌ها و

رهنمودهای ایشان است. بدون شک توجه به این نکات کلیدی و عمیق از سوی مردم، خواص و نخبگان جامعه و همین‌طور کارگزاران نظام، جامعه اسلامی را مانند ۳۲ سال گذشته در برابر ترفندهای گوناگون دشمنان و به‌خصوص مکر نوظهور و پیچیده جنگ نرم حفظ خواهد کرد.

منابع

فارسی

الاباذری، احمد بن یحیی، *جمل من انساب الاشراف*، بیروت: دارالفکر، جلد ۶. ۱۴۱۷.
ابن ابی الحدید، حسین، شرح نهج البلاغه، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه، ج ۱. ۱۳۷۸ ق.
ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، تحقیق محمد بن عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، جلد ۳. ۱۴۱۰.

تجری غریب آبادی، ذبیح‌الله، جنگ نرم چیست و راه‌های مقابله با آن کدام است؟ برگرفته از پایگاه خبری تحلیلی اهل بیت علیهم‌السلام وابسته به مجمع جهانی اهل بیت: <http://abna.ir/data.asp?lang=1&id=213758>. ۱۳۸۹.

الخوئی، حاج میرزا حبیب‌الله، *منهاج البراءة فی شرح نهج البلاغه*، تحقیق حسن‌زاده آملی، منشورات مکتبه الاسلامیه، ج ۱۲. ۱۳۶۴.

الخوری شرتونی، سعید، *اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد: حرف الغین - حرف الکاف*، سازمان حج اوقاف و امور خیریه، اسوه. ۱۳۸۵.

سبحانی تبریزی، جعفر، فروغ ولایت: تاریخ تحلیلی زندگانی امیرمؤمنان علی علیه‌السلام، قم: مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (علیه‌السلام). ۱۳۸۴.

شریفی، احمد حسین، *موج فتنه؛ از جمل تا جنگ نرم*، انتشارات کانون اندیشه جوان. ۱۳۸۸.
طباطبایی، علامه سید محمد حسین، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، جلد ۱۲. ۱۳۶۱.

طبری آملی، محمد بن جریر، *تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات اساطیر، جلد ۶. ۱۳۸۸.

علی عبدالله، ناصر، معجم البسیط عربی به فارسی ساده، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی. ۱۳۸۰.
قرآن کریم.

مصباح یزدی، آیت الله محمدتقی، قرآن در آئینه نهج البلاغه، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و
پژوهشی امام خمینی (ره). ۱۳۷۹.

مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،
ج ۹. ۱۳۶۲.

مطهری، مرتضی، جاذبه ودافعه علی (علیه السلام)، انتشارات صدرا. ۱۳۸۹.

معلوف، لوئیس، المنجد فی اللغه، قم: انتشارات دارالعلم. ۱۳۸۴.

مولانا، حمید، اطلاعات و ارتباطات جهانی: مرزهای نو در روابط بین الملل، مترجم محمد
حسن زاده و مریم اخوتی، نشر کتابدار. ۱۳۸۴.

مهدویان، حسن و نطنزی، احمد، نگاهی قرآنی به آزمون الهی، کانون اندیشه جوان. ۱۳۸۶.

نهج البلاغه، ترجمه دکتر سیدجعفر شهیدی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۸۴.

لاتین

Craig Cohen, Joseph S. Nye Jr., Richard L. Armitage, A smarter, more secure
America: Report of the CSIS Commission on Smart Power, Washington: The CSIS
Press. 2007.

LEADER.IR

Nye, Joseph S. Nye Jr, *Soft Power, the Means to Success in World Politics*, New
York: Public Affairs, 2004.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی